



هستند که با تمام وجود خواهان از بین رفتن این رژیم ضد خلقی می باشند.

از سوی دیگر در این تظاهرات، مزدوران جمهوری اسلامی در پیروی از فرامین سران رژیم که در هفته های اخیر با قاطعیت باز هم بیشتری خواهان قلع و قمع هر گونه مخالفتی با نظام شده بودند، به جان تظاهر کنندگان افتاده و در روز ۲۵ بهمن (که بر اساس برخی گزارشات بزرگترین تظاهرات ضد حکومتی پس از عاشورا نام گرفته است) چند تن از معترضین را با شلیک گلوله به قتل رسانده و تعدادی را زخمی کردند و سپس، وقیحانه اپوزیسیون را مسئول تیراندازی و کشتار تظاهر کنندگان معرفی کردند. گزارشات منتشره حاکی از آن است که نیروهای انتظامی و مزدور جمهوری اسلامی در جریان تظاهرات این دو روز، چندین نفر را کشته و صد ها نفر دیگر را مجروح و یا دستگیر کرده و به سیاهچالهای خود در مکانهای نامعلوم انتقال داده اند.

واقعیت این است که تظاهرات ۲۵ بهمن و اول اسفند، پیش از هر چیز از تداوم جنبش انقلابی مردم ایران برای نیل به خواسته های عادلانه شان خبر می دهد و شکست رژیم پوسیده ای را به نمایش می گذارد که در طول یک سال و نیم گذشته پنداشته با توسل به کشتار و بگیر و ببند و زندان و اعدام و برپایی کهریزک ها، قادر به مهار مردم و در هم شکستن مقاومت آنهاست. همچنین برغم تمام تلاشی که بلندگوهای تبلیغاتی ارتجاع در دوره اخیر بمنظور "زنده کردن" مرتجعین و فریبکارانی نظیر دار ودسته موسوی، کروی و خاتمی و معرفی آنها به عنوان "رهبران" جنبش عادلانه مردم کرده اند، شعارهای سرداده شده در این تظاهرات بار دیگر عمق تضاد مردم به پاخاسته و بویژه جوانان ما با تمامیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را به نمایش گذارد که موجودیت جنایتکاران و فریبکارانی نظیر اصلاح طلبان حکومتی با آن گره خورده است. طنین محکم شعار روشن "مرگ بر اصل ولایت فقیه" گوشه ای از تضاد منافع توده های معترض با این دار و دسته مدافع نظام ضد خلقی حاکم را نشان داد.

نکته مبارزاتی بسیار مهم دیگری که تظاهراتهای اخیر را برجسته ساخت، حضور همزمان ولی بسیار گسترده تر و فعال تر توده های تحت ستم کردستان در جنبش توده ای ضد حکومتی ست.
صفحه ۲



درروزهای ۲۵ بهمن و اول اسفند ماه ،دهها شهر ایران بار دیگر به صحنه اعتراضات توده های به پاخاسته بر علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی تبدیل شد. در تهران، شیراز، مشهد، اصفهان، سنندج، مهاباد، میوان، جوانرود، کرمانشاه، سقز و ده ها هزار تن از مردم مبارز برغم تمامی تهدیدات دژخیمان جمهوری اسلامی مبنی بر تشدید سرکوب توده ها، به خیابانها آمدند و با سردادن شعارهای مختلف ضد حکومتی و درگیری با نیروهای سرکوب رژیم، خواست دیرین خود یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری آزادی را با طنینی هر چه گسترده تر فریاد زدند.

پژواک شعارهایی که راس نظام حاکم یعنی "ولی فقیه" و شخص خامنه ای جنایتکار را با مضمون "اسفند دونه دونه، سید علی سرنگونه" ، "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه ای"، "مرگ بر اصل ولایت فقیه" نشانه گرفته بود و بالاخره شعارهایی نظیر " هوا ، هوای خیزش ، هو ای انقلاب، بجنگ تا یجنگیم ، این آخرین جواب" و در این حرکات همه و همه انعکاس مطالبات توده هایی

نقش جمهوری اسلامی در تجارت مواد مخدر

کشف ۲۹ تن تریاک در فرودگاه بین المللی تهران، ازیک هواپیمای اختصاصی که در چین بارگیری شده و اعتبار هزینه آن توسط یک بانک ایرانی تامین شده بود، بار دیگر از نقش مستقیم قدرتمندترین محافل رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در قاچاق کلان مواد مخدر پرده برداشت. با اعلام خبر کشف این محموله در تاریخ ۹ اسفند، به گزارش رادیوی "دویی چه وه له"، مقامات جمهوری اسلامی به دست و پا افتاده و از قول معاون دارویی وزارت بهداشت، در یک اظهار نظر مسخره مدعی شده اند که ورود این محموله بی سابقه تریاک به کشور، برای "مصارف دارویی" بوده است. این اظهار نظر در شرایطی مطرح شده که رییس مبارزه با مواد مخدر جمهوری اسلامی، حمید رضا حسین آبادی، در چارچوب تضادهای درونی بین دار ودسته های حاکم صراحتا مطرح کرده که "ورود" این حجم از مواد مخدر برای "تولید دارو" در ایران "سابقه" نداشته است و به این ترتیب ضمن رد چنین ادعائی، بر وجود قدرت ضد خلقی ای که در در وراي ورود ۲۹ هزار کیلو تریاک در یک هواپیمای اختصاصی به تهران، قرار دارد، تاکید می کند.

صفحه ۲





صحنه ای از تظاهرات ۲۵ بهمن در تهران

از زمان انفجار امواج گسترده خیزش انقلابی مردم ایران پس از باصطلاح انتخابات فلابی ریاست جمهوری، بسیاری از دشمنان قسم خورده کارگران و خلقهای تحت ستم، به همراهی برخی نیروهای تنگ نظر و نادان کوشیده اند تا تبلیغات مسمومی را به منظور ایجاد شکاف و اختلاف در جنبش انقلابی توده های رنجبر ایران سازمان داده و خلقهای تحت ستم (نظیر خلق کرد و ترک و بلوچ و ...) را فاقد انگیزه و منافع مبارزاتی برای مشارکت در تظاهرات های ضد رژیم جمهوری اسلامی معرفی کنند. این تبلیغات پوچ و تفرقه افکنانه، در شرایطی ست که خلق تحت ستم کرد در طول بیش از سی سال حاکمیت جمهوری اسلامی همواره نشان داده که در مبارزه عمومی مردم ایران بر علیه دشمن اصلی - یعنی رژیم جمهوری اسلامی و نظام استثمارگرانه حاکم - در صفوف مقدم این مبارزه نقش ارزشمند خود را ایفا کرده است. برای نمونه در سالهای اول روی کار آمدن جمهوری اسلامی جنبش خلق کرد به حق، نام "سنگر انقلاب" ایران را گرفت. مردم مبارز کردستان بار دیگر در روز اول اسفند در مهاباد و سنندج و ... پایه پای توده های مبارز سایر نقاط ایران به خیابانها ریخته و با سردادن شعارهای ضد حکومت، به درگیری با نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی پرداختند. در جریان درگیری بین مردم کردستان با مزدوران رژیم، یک خودروی سپاه ضد خلقی توسط مردم سنندج به آتش کشیده شد و کنترل برخی نقاط مهاباد در لحظاتی از دست نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی کاملاً خارج شد.

با وقوع تظاهرات های اخیر، شعله خشم و کینه ضد انقلابی سردمداران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بر علیه توده های به پاخاسته ما هر چه بیشتر گر گرفته و دژخیمان حاکم در هر فرصتی به تهدید و ارباب مردم و بویژه جوانان پرداخته اند تا آنان را از ادامه مخالفت و مبارزه با نظام جهنمی خود بازدارند. تداوم مبارزات مردمی، که برغم تمامی وحشی گری های بخرچ داده شده توسط رژیم جمهوری اسلامی بر علیه توده ها و برغم همه تلاشهای فریبکارانه طبقه حاکم برای کنترل و به بیراهه بردن اعتراضات مردمی صورت می گیرد، نشانگر شدت تضادهای طبقاتی بین مردم با دشمنانشان بوده و از طوفان انرژی مبارزاتی آزاد شده ای خبر می دهد که در قالب جنبش خودبخودی توده های تحت ستم به میدان آمده است. باید با تمام قوا از این جنبش و اهداف عادلانه آن دفاع کرد، و کوشید تا موانع پیشروی تعمیق و سازمانیافتن این جنبش توده ای خودبخودی و رادیکال شدن هر چه بیشتر این مبارزات در یک مسیر انقلابی را از سر راه برداشت. تنها در این حالت است که مبارزات خودجوش تودها قادر می شود راه را برای تحقق همه مطالبات انقلابی آنها هموار سازد.



تجربه حدود ۲۲ سال حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی برای مردم تحت ستم ما موبد آن بوده که محافل ضد خلقی درون حکومت فاسد و جنایتکار جمهوری اسلامی، همواره نقش برجسته و مخوفی در تجارت کلان مواد مخدر و دستیابی به منافع سرشار آن در منطقه و در سطح بین المللی داشته اند. دستگیری طباطبایی، وزیر اولین دولت "منتخب امام" - یعنی بازرگان - در آلمان با محموله تریاک، در ماه های اول به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، گسترش بی سابق ورود و تجارت مواد مخدر با مشارکت سپاه پاسداران و توزیع آن در بین جوانان در جامعه و اخیراً کشف صد کیلو هروئین در محموله سلاحی که سپاه پاسداران به نیجریه فرستاده بود و وسیعاً از سوی خبرگزاریهای مختلف گزارش شد و ... تنها برخی نمونه های این واقعیت را به نمایش می گذارند. امروز نیز بر بستر کشف محموله ۲۹ تنی تریاک که بانکهای رژیم تامین هزینه ورود آن را به عهده گرفته اند، نقش ناگسستن رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و بزرگترین نهادهای مالی و محافل قدرت آن با قاچاق و تجارت مواد مخدر هر چه بیشتر روشن می گردد. با کشف این محموله، صحت گزارشاتی که در ماه های اخیر در مورد نقش سپاه پاسداران در تجارت تریاک و سپس تبدیل آن به هرویین، برای تامین بازارهای هرویین اروپا توسط "ویکی لیکس" انتشار یافته بود، حتی برای تحلیل گران حامی رژیم هم تردید ناپذیر گشته است.

رسوایی نقش جمهوری اسلامی در قاچاق مواد مخدر آنقدر وسعت یافته که مقامات سابق جمهوری آذربایجان نیز تأیید کرده اند که به دولت آمریکا اطلاع داده بودند که اخیراً حجم هرویین صادراتی از ایران به آذربایجان به شدت افزایش یافته و از ۲۰ تن در سال ۲۰۰۶ به ۵۹ تن در سه ماهه اول سال جاری رسیده است. برخی از این مقامات (از جمله وزیر خارجه سابق آذربایجان) تأکید کرده اند که جمهوری اسلامی در وارد کردن تریاک از افغانستان و تبدیل آن به هرویین و سپس ارسال آن از طریق جمهوری آذربایجان به بازارهای اروپا نقش بسیار مهمی داشته است. در گزارشات منتشره در این رابطه، به نقل از "خلف خلف اف" وزیر امور خارجه سابق آذربایجان، نقل شده که «قاچاق مواد مخدر به وسیله سازمانهای امنیتی ایران انجام می شود.» وی اضافه کرده است که «وقتی قاچاقچیان ایرانی دستگیر و تسلیم این کشور می شوند، به سرعت از زندان آزاد می شوند.»

امروز در شرایطی نقش آشکار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و ارگانهایش در قاچاق بزرگترین محموله های مواد مخدر رو می شود که سران فاسد و جنایتکار این رژیم با برپایی چوبه های دار و برای ایجاد جو ترس و خفقان، قاچاقچیان خرده پا و قربانیان این بلاهای خانمانسوز را فوج فوج به دار می آویزد و در همانحال، خود به مثابه بزرگترین تاجر مواد مخدر نقش ایفا کرده و جیبهایشان را به بهای بدبختی و فلاکت جوانان پر می سازد. به همین دلیل هم هست که مبارزه موفقیت آمیز با قاچاق مواد مخدر با سرنگونی جمهوری اسلامی گره خورده است.



در تاریخ ۶ بهمن ماه، فردی به نام سیدعلی غرابات به اتهام "ارتداد" و ادعای "ارتباط با امام دوازدهم" در زندان کارون اهواز به دار آویخته شد. او یکی از فرماندهان سابق سپاه پاسداران جمهوری اسلامی بوده است. مقامات دادستانی خوزستان اعلام کرده اند که در هفت ماه گذشته، تنها در این استان، ۴۰ مورد اعدام صورت گرفته و بیش‌ترمانه تأکید کرده اند که این اعدامها "ادامه" خواهند یافت.

در تاریخ ۲۴ بهمن ماه، مقامات رژیم ۲ زندانی متهم به قاچاق مواد مخدر را در محوطه "مجتمع حرفه آموزی و کار درمانی" خرم آباد، به گونه ای وحشیانه و در ملا عام به دار آویختند. اعدام این دوتن بدنیال اعدام ۲ نفر در ۱۷ دیماه در بروجرد و پنج تن دیگر در تاریخ ۲۳ دیماه در همین استان صورت گرفت. در تاریخ ۲۹ بهمن نیز اعلام شد که ۴ نفر در استان کرمان به جرم نگهداری مواد مخدر اعدام شدند. چند روز بعد مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی در کرمان، در اوایل اسفند ماه، ۷ تن دیگر را در شهرستانهای بم و جیرفت به دار آویختند. در اول اسفند ماه نیز اعلام شد که مقامات قضایی جمهوری اسلامی ۲ جوان را در زندان مرکزی شهر اصفهان با ادعای نگهداری یک کیلو تریاک و مقادیری کراک به دار آویختند. در اولین ساعات روز یکشنبه اول اسفند ماه، مزدوران جمهوری اسلامی دو شهروند کرد و یک شهروند ترک را با وحشی گری تمام در ملا عام در شهر سلماس به دار آویختند. در شهرستان ارومیه نیز روز ۹ اسفند ماه ۱۰ تن از شهروندان کرد و ترک، در زندان مرکزی این شهر اعدام شدند. ۲ تن از اعدام شدگان زندان ارومیه زن بودند.

در همین حال در چارچوب موج اعدامهای اخیر، در شهر شیراز نیز، مقامات ضد خلقی جمهوری اسلامی، در اوایل اسفند ماه ۳ تن را به اتهام "قاچاقچی" به دار آویختند و یک نفر دیگر را در میدان مرکزی شهرستان لامرد، به جرم "دزدیدن احشام" در ملا عام با بیش‌تری تمام شلاق زدند. این اعدامها تنها گوشه های کوچکی از جنایات و اعدامهای جمهوری اسلامی در حق توده های محروم ما بوده و واقعیت این است که ابعاد واقعی اعدامهای جاری در گوشه و کنار جامعه تحت سلطه ما، بسیار بیشتر و گسترده تر از آمار و گزارشات رسمی ست.

موج هیستریک اعدام زندانیان و مخالفان جمهوری اسلامی، و گسترش برپایی چوبه های دار در انظار عمومی، در شرایطی اتفاق می افتد که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی به شدت در صدد گسترش فضای مرگ و خفقان در سطح جامعه، به منظور در هم شکستن روحیه مبارزاتی توده های به جان آمده و ترساندن و کنترل آنها هستند. رهبران جنایتکار جمهوری اسلامی احمقانه چنین می اندیشند که با آفریدن "گورستانهای بی مرز" خواهند توانست بقای حکومت دیکتاتوری خویش را جاودانه سازند؛ اما باید بدانند که نابودی شان حتمی ست و در هنگام فرارسیدن اجتناب ناپذیر زمان نابودی نظام ضد خلقیشان به دست توده ها، عاقبتی جز مواجهه با دشنه انتقام خلق در انتظار آنها نخواهد بود.

مشت مارس روز جهانی زن بر تمامی زنان مبارز، بر تمامی زنان کارگر و جنگش ایران و جهان فرخنده باد



پژدواک مارش شورش کرسنجان، با فریاد "بر خیز ای داغ لخت خورده"، خیابانهای ایران و دیگر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا را در نور دیده است. حضور صد ها هزار تن از زنان مبارز در صفوف توده های به پا خاسته منتهی که پریم پیکار بر علیه ظلم و ستم و فقر و سرکوب رژیمهای وابسته به امپریالیسم را برافراشته اند، تیری ست در قلب امپریالیسم و حرم تنهایی که در طول دهه های متوادی، زن ستمزوی و بیکی بارز سلطه آنها بر جان و مال توده های منتهی بوده است. باشد که حضور قدرتمند زنان در این جنبش های عظیم که شانی از اسالت جومر اشغالگر است، راه روحانی ملتقای ستم خاور میانه را از طریق یک انقلاب اجتماعی نظرمند بر علیه سلطه بجانخوااران بین المللی مره به هموار تر سازد.



اتحاد زنان آزادخواه
۱۳۸۵/۱۲/۱۷

کشتار کودکان توسط ارتش آمریکا

در اوایل مارس، نیروهای ارتش اشغالگر آمریکا در افغانستان جنایت جدیدی آفریدند. در جریان این جنایت هلی کوپترهای آمریکایی با گشودن آتش بر روی کودکانی که به منظور جمع کردن هیزم در ولایت کونار از خانه های خود خارج شده بودند، ۹ نفر از آنها را به قتل رساندند. این فاجعه، خشم و نفرت اهالی منطقه و افکار عمومی را برانگیخت تا جایی که مقامات آمریکایی مجبور شدند برای جلوگیری از رسوایی و آبروریزی بیشتر خود در ارتکاب به این جنایت، فریبکارانه "معذرت" خواهی کنند و وعده "آموزش" نیروهای متجاوز خود را در زمینه "حملات هوایی" بدهند! شدت خشم و نفرت عمومی از این جنایت ارتش آمریکا به حدی بود که کرزای، رییس جمهور مزدور افغانستان نیز مجبور شد تا ریاکارانه زبان به "انتقاد" گشوده و از "مشکلات جدی" نیروهای ائتلاف در افغانستان، در صورت تداوم "قتلهای غیر عمد" (!!) داد سخن دهد. شایان ذکر است که از آغاز اشغال افغانستان توسط ارتش آمریکا و هم پیمانانش که با وعده "آزادی" مردم افغانستان صورت گرفت تاکنون هزاران شهروند غیر نظامی این کشور توسط آتش سلاح نیروهای آمریکایی کشته و مجروح شده اند و این فاجعه نیز در تداوم این روند رخ داده است.

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی ست!





تشدید اعدام، نشانه هراس جمهوری اسلامی ست!

ماشین اعدام و کشتار رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی در هفته های اخیر، با اعدام ده ها تن دیگر از مخالفان و قربانیان نظام استعمارگرانه حاکم، استیصال و وحشت خود در مقابل بحرانی را به نمایش گذارد که ماه هاست در اثر رشد یابی جنبش توده های به پاخاسته تاروپود آن را فرا گرفته است.

بنا به گزارشات منتشره، دژخیمان رژیم جمهوری اسلامی، تنها در فاصله اول دی ماه تا ۱۵ اسفند، حداقل ۱۱۱ نفر را در شهرهای مختلف کشور اعدام کرده و با این جنایت، بار دیگر با تاکید بیشتری، ماهیت ضد خلقی خود را در مقابل توده های بجان آمده و متتر از این حکومت، عیان کردند.

دژخیمان جمهوری اسلامی در تاریخ ۹ بهمن ماه زهرا بهرامی، از دستگیر شدگان حوادث عاشورا را برغم تمام اعتراضات بین المللی، پس از شکنجه های فراوان در سیاهچال اوین اعدام کردند. همچنین روز ۱۴ اسفند ماه، سه جوان افغان به جرم "تجاوز"، در همین زندان حلق آویز شدند. جوان دیگری به نام محمود اعلائی به جرم نگهداری مقادیر زیادی مواد مخدر، در تاریخ ۱۱ اسفند ماه، در زندان رجایی شهر به دار آویخته شد. این جنایت ننگین که خشم مردم را برانگیخت در شرایطی انجام شد که مقامات رژیم هیچ مدرکی در باب جرم این شخص ارائه ندادند. **صفحه ۲**

سرکوب شهروندان بهایی شدیداً محکوم است!

یکی از جلوه های سیاه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی به مثابه رژیم که دیکتاتوری امپریالیستی را در لفافه ایدئولوژی اسلامی پیش می برد، سرکوب سیستماتیک اقلیتهای مذهبی و در راس آنها پیروان مذهب بهائیت بوده است. گزارشاتی که اخیراً از وضع زندگی و شرایط اسارت شهروندانی بهایی، تحت حاکمیت جمهوری اسلامی منتشر شده نشان دهنده تداوم و تشدید نقض حقوق اولیه و انسانی آنها توسط سردمداران جنایتکار جمهوری اسلامی ست.

بنا به گزارشات منتشره، رفتار سرکوبگرانه جمهوری اسلامی بر علیه ده ها شهروند بهایی اخیراً فزونی یافته و تنها در بهمن ماه تعداد زیادی دستگیر، و با به انحاء مختلف تحت تعقیب و پیگرد و اذیت و آزار قرار گرفته اند. تفتیش عقاید و بازرسی دائمی خانه های بهاییان در شهرهای مختلف ادامه یافته و اخراج و زندان جوانان دانشجو به اتهام "وابستگی" به "گروه های معاند" تشدید شده است. در سیاهچالهای رژیم نیز زندانیان بهایی مرتباً در زیر تیغ فشار و آزار بیشتر به سربرده و حتی از حداقل حقوق شناخته شده برای دیگر زندانیان محرومند. در برخورد با فعالین سیاسی و اجتماعی نیز که در چنگال رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی به سر می برند، عامل "اعتقاد" به مذهب بهائیت عامل مزید بر علتی ست که همواره شانس تشدید مجازات و حتی اعدام آنها را افزایش می دهد. آزار و اذیت و پیگرد بهاییان ایران توسط جمهوری اسلامی امر تازه ای نیست و تاریخ آن با تاریخ حیات این رژیم سرکوبگر عجین است. حمله به توده های تحت ستم بهایی، با توجیحات مذهبی، از همان اولین روزهای سلطه این استبداد مذهبی شروع شد. در شرایطی که وظیفه اصلی رژیم سرکوب انقلاب بود، توده های انقلابی که فارغ از هر گونه اختلاف مذهبی و ملی و ... یکپارچه برای آزادی و برابری، بر علیه دیکتاتوری رژیم ضد خلقی شاه به پاخاسته بودند، از هر قشر و طبقه ای به بهانه ای آماج ضربات دیکتاتوری حاکم قرار گرفتند. تا جایی که در مدت کوتاهی، ما شاهد بودیم که رژیم که شاه مزدور را به اذیت و آزار مذهبیون متهم می کرد، خود، ایران را به زندانی برای پیروان سایر مذاهب و حتی مسلمانان تبدیل کرد. محرومیت از حقوق اولیه شهروندی، تبعیض سیستماتیک، مصادره اموال و داراییهای بهاییان و بالاخره تعقیب و پیگرد آنان به جرم اعتقاد و یا فعالیت تبلیغاتی به نفع بهائیت، از زمره رفتار ضد خلقی حکومت بر علیه بهاییان ایران بوده است. تحت تاثیر چنین فضای سرکوب و تروری، بسیاری از بهاییان یا مجبور به ترک کشور خود شده اند و یا وادار گشته اند تا یک زندگی مشقت بار و سراسر ترس و فاقد امنیت را، زیر تیغ شمشیر حکومت، تحمل کنند. اما در مورد بهاییانی که در ایران مانده اند، اذیت و آزار و شکنجه و بگیری و بند آنها توسط دیکتاتوری حاکم در طول تمام این سالها همواره ادامه داشته و جمهوری اسلامی هر جا که مقتضیات نظام استثمارگرانه اش ایجاب کرده، زیر نام "مذهب ضاله"، تیغ تعقیب و پیگرد و زندان و شکنجه و اعدام را بر سر توده های بهایی به حرکت درآورده و جنایات زیادی را بر علیه آنها مرتکب شده است. آزادی مذهب و به طور اولی، حق نداشتن مذهب، یک حق اولیه و ابتدایی برای تمامی مردم است. به همین دلیل هم سرکوب و اذیت و آزار بهاییان به اتهام بیشرمانه اعتقاد به مذهب بهائیت، شدیداً محکوم و نفرت انگیز است. در نتیجه نیروی های انقلابی و آزادیخواه باید اقدامات ضد خلقی جمهوری اسلامی بر علیه شهروندان بهایی و هر شکل از سرکوب مذهبی را بر علیه هر شهروند مذهبی و غیر مذهبی را بشدت محکوم کنند و صدای زندانیان بهایی و تمامی قربانیان سرکوب دیکتاتوری جمهوری اسلامی را هر چه وسیعتر به گوش افکار عمومی برسانند.

<http://www.siahkal.com>

از صفحه چریکهای فدایی خلق ایران در اینترنت دیدن کنید:

<http://www.ashrafdehghani.com>

از صفحه اشرف دهقانی در اینترنت دیدن کنید:

شماره تلفن برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران 0044-7946494034

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

BM Box 5051, LONDON, WC1N 3XX, ENGLAND

ipfq@hotmail.com

آدرس پست الکترونیک:

پیروز باد انقلاب! مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی! زنده باد کمونیزم!

